

فقه اسلامی

من یرد الله به خیر ا یفقهه

فی الدین .

(حدیث شریف)

"کسی که خداوند به وی اراده خیر فرماید

او را در امور دین دانشمند می سازد"

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ○

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ○ وَاخْلُلْ عُقْدَةً

مِنْ لِي سَانِي ○ يَفْقَهُوا قَوْلِي ○

(قرآن کریم)

"ای زما پروردگاره! زما سینه را پراخه کره!

او زما امر (درسالت) راته آسان کره! او زما

له ژبی خخه غوته پرانیزه! چي (خلک) زما په

خبرو (نبه) وپوهیږي"

سپتمبر 2022

صفر/ربیع الاول

شماره سه صدم

دست یافتند که مسلمانان مرهون خدمات شان
میباشند و فقه اسلامی در نتیجه اجتهادات علمی
مجتهدین یکی از غنی ترین قوانین در بین قوانین
مدنی جهان بحساب میآید .

استاد فهمی هویدی از نویسندگان بزرگ و معروف
خط وسط اسلامی در تحقیق خود بنام (**فقه الأقليات**

المسلمة * فقه اقلیتهای مسلمان) که بتاريخ
1995/1/7 مجله (المجلة) عدد 777 و عدد 826 به

تاریخ 1995/12/16 در موضوع زندگی دائمی
مسلمانان در غرب یعنی کشورهای غیر اسلامی می
نویسد: مسأله اقلیتهای مسلمان در کشورهای غیر

اسلامی بعد از خروج مسلمانان از اندلس (اسپانیا)
و جزیره سیسلی (Sicily) در ایتالیا در قرن

شانزدهم میلادی مورد بحث قرار گرفت . بعد از
اینکه مسلمانان این دو کشور را ترک نمودند یک

اقلیت مسلمان در آنجا باقی ماند . این اقلیت
مسلمان در آنجا تعذیب شدند و اروپائی ها محاکم

خاص برای محکمه مسلمانان تشکیل دادند و مظالم
اروپا نسبت به مسلمانان در قرن شانزدهم نقطه عار

در جبین غرب است . مسلمانان این دو کشور »
اندلس و جزیره سیسلی» از علمای اسلام در مغرب

در موضوع اقامت خود فتوا خواستند . علمای
مغرب دو راه را برای مسلمانان پیشنهاد کردند :

زندگی و اقامت بطور دائمی در کشورهای غیر

اسلامی بین نظریات فقهی و واقعیت های معاصر

(قسمت اول)

آیا مسلمان میتواند در کشورهای غیر اسلامی زندگی
نماید ؟

فقها در مسأله اقامت یا زندگی مسلمانان در کشورهای
غیر اسلامی که قانون اسلام در آنجا تطبیق نمیشود
تحقیقات زیاد نموده اند و در مقدمه دو موضوع مهم را
به تفصیل بیشتر بحث میکنند : عدم جواز و جواز .

اول : عدم جواز :

با اینکه سه قرن اول اسلام به شهادت تاریخ از بهترین
دوره درخشان فقه اسلامی میباشد . فقهای این دوره
انتظار نداشتند که فرد مسلمان از دارالاسلام به
دارالحرب مهاجرت و در آنجا اقامت اختیار نماید با
آنها مسائل فقهی را پیشبین و نظریه فقهی را ارائه
نمودند . فقهاء در گذشته به مسائل فقه اقلیتهای غیر
مسلمان در کشورهای اسلامی توجه زیادی نمودند تا
حقوق غیر مسلمانان یعنی «أهل ذمه» را که امروز بنام
اقلیت های غیر مسلمان در کشورهای اسلامی یاد
میشوند حفظ نمایند و درین راستا به موفقیت های زیادی

در مورد حکم اقامت مسلمانان که قدرت مهاجرت دارند فقهاء اختلاف نظر دارند. امام مالک اقامت مسلمانان را درین گونه کشورها به شدت مکروه می داند و بدین نظر است که باید مسلمان از آنجا مهاجرت نماید. گروهی دیگر از فقهاء حکم به حرمت میدهند و آن را حرام می خوانند به دلیل اینکه حکم خدا و رسول او صلی الله علیه وسلم در مسائل قضایی بر مسلمانان اجرا نمی شود. مسلمانان باید آنجا را ترک کنند و به دارالاسلام برگردند. (الشرق الاوسط، العدد 5431، 11 / 10 / 1993).

علمای حنبلی در مورد اقامت مسلمان در کشور های غیر اسلامی باین نظر اند: اگر مسلمان بر اظهار دین خود در دار کفر قدرت داشت یعنی قدرت اظهار عقیده خود را به صراحت و آزادی کامل داشت از سنت است که به دار اسلام هجرت کند تا بتواند در جهاد شرکت و تعداد مسلمانان زیاد شود.

استاذ سعید حوی در کتاب خود بنام (اسلام شناسی) که آنرا فضل من الله فضلی به دری ترجمه نموده است در مورد حکم و نظریه علمای حنبلی می نویسد: از این معلوم میشود که در صورت قدرت مسلمان بر اظهار دینش هجرت سنت است ولی اگر از اظهار دین خود عاجز و در محلی بود که کفر و بدعت های گمراه کننده بر آن حاکمیت داشت به نحوی که مانع اظهار واجبات او میگردد و یا می ترسید که اولاده اش گمراه می شوند درین حالات بروی فرض آیا مسلمان میتواند در کشور غیر اسلامی زندگی نماید؟

فقها در مسأله اقامت یا زندگی مسلمانان در کشور های غیر اسلامی که قانون اسلام در آن جا تطبیق نمیشود تحقیقات زیاد نموده اند و در مقدمه دو موضوع مهم را به تفصیل بیشتر بحث میکنند: عدم جواز و جواز.

اول عودت و بازگشت به کشور های اسلامی و ترک اندلس و جزیره سیسیلی. دوم اقامت با صبر و کوشش تا با مردم و محیط و زندگی جدید عادت کرد و اگر این امر ممکن نباشد دین خود را کتمان کنند یعنی دین و عقیده خود را پنهان سازند.

در کنفرانس لندن در سال 1992 که تحت عنوان (المسلمون فی الغرب * مسلمانان در غرب) بود محققین و علمای اسلامی در مسائل قانونی و فقهی، اقامت و زندگی نمودن مسلمانان در کشور های غربی مسائل زیادی را به بحث گرفتند و هر یک از علما یکی از مشکلات قانونی و فقهی را مطرح و بحث کردند. از میان تحقیقاتی که در این کنفرانس مطرح شد، تحقیق استاد الشیخ محمد المختار السلامی تحت عنوان (الاقليات الإسلامیه فی المجتمعات الغربیه * اقلیت های اسلامی در جوامع غربی) بود. استاد السلامی در تحقیق خود نظریات فقهای عصر دوم و سوم اسلامی را در مورد اقامت مسلمان در کشور های غربی که بنام دارالحرب یاد میشد جمع و بررسی کرد:

1. مسلمان در اقامت خود در کشور غیر اسلامی اگر به دین و مال و جان و شرف خود امنیت احساس نمیکند و قدرت هجرت یا عودت یا مسافرت را دارد و میتواند به کشور اسلامی برگردد درین حالت اقامت وی در کشور غیر اسلامی حرام است.
2. اقامت در کشوری که تحت حکم غیر مسلمین است و نظام سیاسی آن با اساس آزادی دینی و احترام حقوق انسان میباشد لیکن بالای مسلمانان احکام غیر اسلامی تطبیق میگردد چنانکه این حالت اکنون در کشور های غربی موجود است.

اول : عدم جواز :

با اینکه سه قرن اول اسلام به شهادت تاریخ از بهترین دوره درخشان فقه اسلامی می باشد . فقهای این دوره انتظار نداشتند که فرد مسلمان از دارالاسلام به دارالحرب مهاجرت و در آنجا اقامت اختیار نماید با آنهم مسائل فقهی را پیشبین و نظریه فقهی را ارائه نمودند . فقهاء در گذشته به مسائل فقه اقلیتهای غیر مسلمان در کشورهای اسلامی توجه زیادی نمودند تا حقوق غیر مسلمانان یعنی « اهل ذمه » را که امروز بنام اقلیت های غیر مسلمان در کشورهای اسلامی یاد میشوند حفظ نمایند و درین راستا به موفقیت های زیادی دست یافتند که مسلمانان مرهون خدمات شان میباشند و فقه اسلامی در نتیجه اجتهادات علمی مجتهدین یکی از غنی ترین قوانین در بین قوانین مدنی جهان بحساب می آید .

استاد فهمی هویدی از نویسندگان بزرگ و معروف خط وسط اسلامی در تحقیق خود بنام (**فقه الاقلیات المسلمة** * فقه اقلیتهای مسلمان) که بتاريخ 1995/1/7 مجله (**المجلة**) عدد 777 و عدد 826 به تاریخ 1995/12/16 در موضوع زندگی دائمی مسلمانان در غرب یعنی کشورهای های غیر اسلامی می نویسد : مسأله اقلیتهای مسلمان در کشورهای غیر اسلامی بعد از خروج مسلمانان از اندلس (اسپانیا) و جزیره سیسیلی (Sicily) در ایتالیا در قرن شانزدهم میلادی مورد بحث قرار گرفت . بعد از اینکه مسلمانان این دو کشور را ترک نمودند یک اقلیت مسلمان در آنجا باقی ماند . این اقلیت مسلمان در آنجا تعذیب شدند و اروپائی ها محاکم خاص برای محکمه مسلمانان تشکیل دادند و مظالم اروپا نسبت به مسلمانان در قرن شانزدهم نقطه عار در جبین غرب است . مسلمانان این دو کشور « اندلس و جزیره سیسیلی » از علمای اسلام در مغرب در موضوع اقامت خود فتوا خواستند . علمای مغرب دو راه را برای مسلمانان پیشنهاد کردند :

اول عودت و بازگشت به کشورهای اسلامی و ترک اندلس و جزیره سیسیلی . دوم اقامت با صبر و کوشش تا با مردم و محیط و زندگی جدید عادت کرد و اگر این امر ممکن نباشد دین خود را کتمان کنند یعنی دین و عقیده خود را پنهان سازند .

در کنفرانس لندن در سال 1992 که تحت عنوان (**المسلمون فی الغرب** * مسلمانان در غرب) بود محققین و علمای اسلامی در مسائل قانونی و فقهی ، اقامت و زندگی نمودن مسلمانان در کشورهای غربی مسائل زیادی را به بحث گرفتند و هر یک از علما یکی از مشکلات قانونی و فقهی را مطرح و بحث کردند . از میان تحقیقاتی که در این کنفرانس مطرح شد ، تحقیق استاد الشیخ محمد المختار اسلامی تحت عنوان (**الاقلیات الإسلامیه فی المجتمعات الغربیه** * اقلیت های اسلامی در جوامع غربی) بود . استاد اسلامی در تحقیق خود نظریات فقهای عصر دوم و سوم اسلامی را در مورد اقامت مسلمان در کشورهای غربی که بنام دارالحرب یاد میشد جمع و بررسی کرد :

3. مسلمان در اقامت خود در کشور غیر اسلامی اگر به دین و مال و جان و شرف خود امنیت احساس نمیکند و قدرت هجرت یا عودت یا مسافرت را دارد و میتواند به کشور اسلامی برگردد درین حالت اقامت وی در کشور غیر اسلامی حرام است .

4. اقامت در کشوری که تحت حکم غیر مسلمین است و نظام سیاسی آن با اساس آزادی دینی و احترام حقوق انسان می باشد لیکن بالای مسلمانان احکام غیر اسلامی تطبیق میگردد چنانکه این حالت

ترجمه: (بدرستی آنانکه میرانیدند ایشان را فرشتگان در حالیکه بر خود ستمگاران بودند گفتند: درچه حالی بودید؟ گفتند: بودیم بیچارگان در زمین گفتند: آیا زمین خدا فراخ نبود تا در آن هجرت میکردید پس ایشان جایگاه شان دوزخ است آن بد جای است مگر آنانکه بیچاره اند از مردان و زنان و کودکان هیچ چاره نمی توانند و هیچ راه نمی یابند پس آن جماعت نزدیک است که خدا عفو کند از ایشان).

و احناف گفته اند هجرت از دار کفر و دار بدعت بدار اسلام واجب است.

دوم: جواز:

در مورد اقامت مسلمان در کشورهای غربی نظریات فقهای متأخر اسلامی با نظریات فقهای عصر دوم، سوم و چهارم اسلامی متفاوت است. علت تفاوت بین نظریات و آراء قدیم و معاصر را علما قاعده فقهی: تغییر فتوا در تغییر زمان و مکان و شخص و حالات متفاوت میدانند و میگویند شرایط زمان و مکان و اشخاص و حتی شرایط سیاسی و اقتصادی کشورهای اسلامی و غیر اسلامی نسبت به سابق تغییر نموده و به اساس تغییرات که در ساحت سیاسی و اجتماعی صورت گرفته حکم اقامت فرد مسلمان در کشورهای غربی نیز نسبت به گذشته تفاوت میکند. استاد فهمی هوییدی در این مورد می نویسد: فتواهای که علما قرن شانزدهم و هفدهم میلادی برای مسلمانان در غرب دادند امروز قابل تطبیق نیست زیرا حالت مسلمانان امروز نسبت به قرن شانزدهم و هفدهم تفاوت میکند و امروز مسلمانان به اختیار و اراده آزاد میتوانند در غرب زندگی نمایند و یا کشورهای غربی را ترک کنند. پس مسأله اقامت مسلمان در کشورهای غربی حکم جدید را می خواهد و علماء معاصر در مورد زندگی و اقامت مسلمانان در غرب فتواهای معاصر را صادر

اکنون در کشورهای غربی موجود است.

در مورد حکم اقامت مسلمانان که قدرت مهاجرت دارند فقهاء اختلاف نظر دارند. امام مالک اقامت مسلمانان را درین گونه کشورها به شدت مکروه می داند و بدین نظر است که باید مسلمان از آنجا مهاجرت نماید. گروهی دیگر از فقهاء حکم به حرمت میدهند و آن را حرام می خوانند به دلیل اینکه حکم خدا و رسول او صلی الله علیه وسلم در مسائل قضایی بر مسلمانان اجرا نمی شود. مسلمانان باید آنجا را ترک کنند و به دارالاسلام برگردند. (الشرق الاوسط، العدد 5431، 11 / 10 / 1993).

علمای حنبلی در مورد اقامت مسلمان در کشورهای غیر اسلامی باین نظر اند: اگر مسلمان بر اظهار دین خود در دار کفر قدرت داشت یعنی قدرت اظهار عقیده خود را به صراحت و آزادی کامل داشت از سنت است که به دار اسلام هجرت کند تا بتواند در جهاد شرکت و تعداد مسلمانان زیاد شود.

استاذ سعید حوی در کتاب خود بنام (اسلام شناسی) که آنرا فضل من الله فضلی به دری ترجمه نموده است در مورد حکم و نظریه علمای حنبلی می نویسد: از این معلوم میشود که در صورت قدرت مسلمان بر اظهار دینش هجرت سنت است ولی اگر از اظهار دین خود عاجز و در محلی بود که کفر و بدعت های گمراه کننده بر آن حاکمیت داشت به نحوی که مانع اظهار واجبات او میگردد و یا می ترسید که اولاده اش گمراه می شوند درین حالات بروی فرض است که هجرت کند. (إن الذین توفاهم الملائكة ظالمی أنفسهم قالوا: فیما کنتم قالوا کنا مستضعفین فی الأرض قالوا ألم تکن أرض الله واسعة فتهاجروا فیها فأولئک ما واهم جهنم و ساءت مصیرا * إلا المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان لا یستطیعون حيلة و لا یهتدون سبیلا * فأولئک عسی الله أن یعفو عنهم / النساء: 97 - 99).

باشد مثل که در ایالات متحده امریکا ، کانادا و بعضی کشور های اروپائی است ، پس از مصلحت اسلام است تا مسلمانان در آنجا زندگانی داشته باشند تا نمونه از اسلام باشند و همچنان از مصلحت دعوت اسلامی است که مسلمانان در بین غیر مسلمانان زندگی نمایند . دلایل ذکر شده مسأله مصلحت را نسبت به هر موضوع دیگر رحمت میدهد زیرا موجود بودن مسلمانان در جهان غرب چانس خوبی برای تبلیغ و نشر اسلام است. (المجله، عدد 777 ، 1995/1/7) .

استاد فهمی هویدی اضافه می کند و می نویسد : کشور های اسلامی زیادی موجود است و الحمدلله تعداد مسلمانان در کشور های اسلامی بسیار زیاد است لیکن موجودیت مسلمانان در کشورهای غربی برای اسلام و مسلمانان مفید میباشد و نصیحتم برای مسلمانان در کشورهای غربی این است که با جامعه بزرگ غربی زندگی داشته باشند و کوشش نکنند که خارج از جامعه زندگانی نمایند مثلیکه مسلمانان هندوستان و پاکستان در انگلستان می خواهند پارلمان خاص برای خود داشته باشند . استاد فهمی در باب فتوای علمای مغرب برای مسلمانان در قرن شانزدهم (مسلمانان مقیم اندلس - اسپانیا - و ایتالیا) می گوید که فتوا برای زمان خاص و شرائط خاصی بود و قاعده اساسی و ثابت در فقه نمیباشد و لازم نیست که از آن امروز استفاده نمود بدلیل اینکه شرائط زمان و مکان و حتی شرائط سیاسی جهان تفاوت نموده است و امروز مسلمانان ضرورت و احتیاج به فتوای جدید دارند .

در روشنی قواعد فقهی که در بالا ذکر شد ، علامه دکتور یوسف القرضاوی در کتاب خود بنام (أولیات

کرده اند که به اساس آن زندگی معاصر مسلمانان در غرب آسان و ساده شده است .

علمای معاصر نظر دارند که در فقه اسلامی در جواز یک امر شرعی که در آن نص ثابت نباشد به اجتهاد حکم میشود و « ضرورت و احتیاج » دو موضوع اصلی اجتهاد از امور مهمی فقهی در صدور حکم میباشد . فقهاء باین نظر اند که ضرورت بالاتر از احتیاج است . مصطفی الزرقا که از مجتهدین معاصر در مذهب حنفی است در کتاب خود (فتاوی) در باب ضرورت و حاجت می نویسد : در فقه ، رخصت یا اجازه یک حکم استثنائی مقید به حالت اضطراری و احتیاج آن میباشد و زمانیکه حاجت به منزلت ضرورت برسد رخصت یا اجازه آن بدرجه مباح است نه بدرجه واجب .

استاد فهمی هویدی در بحث خود که قبلا به آن اشاره شد در مورد مسأله فقهی موضوع اقامت مسلمان در کشور غیر اسلامی می نویسد : در عدم وجود احکام فقهی که بتوانیم با اساس آن حکم صادر کنیم لیکن مبادی اساسی که در دست داریم وظیفه ما را قدری آسانتر میسازد که میتوان در بین مبادی و اصول دست داشته از دو مبادی یاد کرد :

- مبدأ مصلحت که وزن میکند بین مصلحت و مفساد و رهنمائی نمودن به مصلحت و ترجیح بین دو مصلحت و دو مفسده و قبول مفسده کوچک بصورت مؤقت تا از یک مفسده بزرگ جلوگیری شود و این خفیف ترین ضرر میباشد و اجماع درین است که دفع مفساد مقدم تر است نسبت به جلب مصلحت .
- مبدأ قبول زندگی مسالمت آمیز تا زمانیکه مسلمانان در دین شان فتنه پیش نشود و یا تا زمانیکه از آنجا یعنی غرب مسیحی اخراج ساخته نشوند به عبارت دیگر اگر حقوق مسلمانان و کرامت شان حفظ و برای شان امکان زندگانی در جوامع غیر اسلامی میسر

1. وجوب مسئولیت مهاجر مسلمان نسبت بخودش: تا خود را از فساد جامعه حفظ نماید.

2. وجوب مسئولیت مهاجر مسلمان نسبت به خانواده اش: تا خانواده خود را از ذوبان یعنی آب شدن در جامعه غربی حفظ نماید.

3. وجوب مسئولیت مهاجر مسلمان نسبت به برادران مسلمان اش: تا با ایشان به اتحاد و اتفاق زندگانی نماید و همه باید مانند جسد واحد باشند.

4. وجوب مسئولیت مهاجر مسلمان نسبت به افراد جامعه غیر از مسلمانان: تا ایشان را با حکمت و موعظه حسنه دعوت نماید.

5. وجوب مسئولیت مهاجر مسلمان نسبت به قضایای امت اسلامی: یعنی باید به قضایای اسلام اهتمام داشته باشد و در موفقیت آن تپ و تلاش نماید.

باساس مسئولیت پنجم مسلمانان وظیفه دارند که در دفاع از حقوق مسلمانان با هم همکاری داشته باشند. داشتن تابعیت کشور های غربی به مسلمانان اجازه میدهد تا با پارلمانهای کشورهای غربی به تماس شده و ایشانرا متوجه خطرات آینده سازند و از نمایندگان پارلمان ها دعوت نمایند تا در اخراج قوای کشورهای شان از سرزمین های اسلامی توجه نمایند. اگر مسلمان بعد از گرفتن تابعیت در مسائل و قضایای اسلامی و مسلمانان بیطرف باقی می ماند، اقامت شان در کشورهای غربی جواز ندارد.

نظر به قاعده « ضرورت » و معرفی واجبات مسلمانان در کشورهای غربی فقهاء و علما مسلمانان را متوجه دو موضوع مهم می سازند:

- دوری گزیدن از تعصبات منطوقی و نژادی که متأسفانه این اصل

الحركة الإسلامية في المرحلة القادمة (تحت عنوان: ضرورة الوجود الإسلامي في بلاد الغرب * ضرورت موجودیت اسلامی در کشورهای غربی می نویسد:

من به این باورم که موجودیت اسلام در جوامع غربی یک ضرورت اسلامی است تا در سیاست جهانی از خود اثر بگذارد.

وجود اسلام یا موجودیت مسلمانان در اروپا و امریکا و استرالیا از جوانب ذیل یک ضرورت اسلامی محسوب می شود:

1. ضرورت برای تبلیغ اسلام و بلند کردن صدای اسلام و دعوت غیر مسلمانان به اسلام از راه مناقشه بصورت پسندیده و خوب و حسنه.

2. ضرورت برای حفظ عقاید مسلمانان جدید و نموی عقیده اسلامی در دلهايشان تا در پرتو احکام اسلامی زندگی نمایند.

3. ضرورت برای استقبال و پذیرایی مهاجرین جدید و کمک به آنها مانند نقش انصار در کمک به مهاجرین.

4. ضرورت برای دفاع از قضایای امت اسلام و خاک اسلام در مقابل تبلیغات سوء.

از نوشته دکتر القرضاوی اینطور استنباط می گردد که خلاف نظریه فقهاء سابق که ضرورت وجود اسلامی را در جهان غرب لازم نمیدانستند علمای معاصر در نتیجه تغییراتی که در اوضاع اجتماعی و سیاسی در جهان غرب پیش آمده وجود مسلمانان را در جهان غرب یک ضرورت اسلامی میدانند.

فقهای معاصر فقط به ضرورت امر اکتفاء نکرده بلکه مسلمانان را متوجه واجبات شان نیز می سازند به این معنی که تنها نباید هدف مسلمان زندگی نمودن در کشورهای غربی باشد بلکه اقامت در کشور غیر اسلامی واجبات خاصی را نیز دارد که القرضاوی آنرا به پنج واجب خلاصه می کند:

برای مسلمان جواز نیست که تابعیت کشوری را بگیرد که حکومت آن کافر باشد و نظر به حدیث شریف و اجماع مسلمین، بر مسلمانان واجب است که از کشورهای کفر به کشورهای اسلامی مهاجرت کنند. لیکن اگر اهل علم و صاحبان بصیرت در بین مشرکین می باشند تا ایشانرا به اسلام دعوت کنند و یا اینکه یک ضرورت و مصلحت دیگر باشد مانع در اقامت و زندگی نیست بشرطیکه سبب فتنه در دین مسلمان نشود.

شیخ عبدالله بن باز این حکم را میکند:

اگر مسلمان خوف دارد که خودش و اولادش در جامعه غیر اسلامی متأثر می شوند و ممکن است اولادها تربیه فاسد شوند بهتر است به کشور خود عودت کند.

اگر به نص فتواهای ذکر شده دقت کنیم ملاحظه میشود که نباید هدف از مسلمانان از اقامت در کشورهای غربی فرار از واقعیت های جوامع شرق اسلامی باشد و مسلمان نباید مسئولیت های اسلامی خود را فراموش نموده و شخصیت اسلامی خود را از دست بدهد و در جامعه غربی منحل گردد بلکه مسلمان باید در جامعه غربی با حفظ شخصیت اسلامی خود زندگانی کند و نمونه از اسلام باشد و با غیر مسلمانان در صلح و سلام و اخوت انسانی زندگی نماید و از افراط و تفریط که به ضرر جامعه است مردم ابا و ورزد و اعتدال را در دعوت و مسالمت را در دوری نماید و رعایت نماید و با غیر مسلمانان در تمام مسائل شان اشتراک داشته باشد به عبارت دیگر در خوشی شان خوش و در غم شان غمگین باشد و با فقراء و محتاجین جامعه همکاری شود.

است که هجرت کند. (إن الذین توفاهم الملائكة ظالمی أنفسهم قالوا: فیم کنتم قالوا کنا مستضعفین فی الأرض قالوا ألم تکن أرض الله واسعة فتهاجروا فیها فأولئک ما واهم جهنم و ساءت مصیرا * إلا المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان لا یستطیعون حيلة و لا یهتدون سبیلا * فأولئک عسی الله أن یعفو عنهم / النساء: 97 - 99).

ترجمه: (بدرستی آنانکه میرانیدند ایشان را فرشتگان در حالیکه بر خود ستمگاران بودند گفتند: در چه حالی بودید؟ گفتند: بودیم بیچارگان در زمین گفتند: آیا

نادیده گرفته شده و مسلمانان در کشور های غربی مشکلات نژادی و منطوقی خود را از کشور اصلی خود به کشورهای غربی انتقال داده اند.

• عدم تشدد و افراط و بر پا ساختن اختلافات در مسائل جزئی. متأسفانه مسلمانان اختلافات جزئی که در فقه مذاهب موجود بود آنرا با خود در سرزمین جدید آوردند. بر مسلمانان لازم است تا درک کنند که سرزمین جدید مشکلات آن غیر از وطن اصلی اسلامی است و روش زندگی در غرب تفاوت زیاد با روش زندگی در شرق اسلامی دارد و باساس همین تغییرات است که علماء به قاعده اساسی فقهی

فتوی به تغییر زمان و مکان و حالات مردم تغییر میکند و نباید مسائل جزئی را که در کشور خود تطبیق میکردیم مردم را به تطبیق آن در کشورهای غربی مجبور سازیم. (القرضاوی مرجع سابق، ص: 153، 154 و 155).

نظر به احکام فقهی که در باب اقامت مسلمانان در کشورهای غیر اسلامی آورده شد لازم دیده میشود تا چند فتوا را به حیث نمونه ذکر کرد تا قضیه بهتر روشن و واضح گردد.

دکتور یوسف القرضاوی در جواب گرفتن تابعیت امریکا و اقامت در کشورهای اسلامی این فتوا را صادر میدهد:

گرفتن تابعیت امریکا برای مسلمانان نه تنها که گناه نمی باشد بلکه یک ضرورت نیز است زیرا داشتن تابعیت برای فرد مسلمان اجازه میدهد تا از عقیده اسلامی در جامعه امریکائی دفاع کند و در انتخابات اشتراک نموده برای دین و مسلمانان مفید واقع شود چون تابعیت امریکا برای مسلمان و اسلام در عصر حاضر مفید است، پس باید مسلمانان از آن استفاده خوب نمایند. (فتاوی معاصر).

در کتاب (فتاوی للمسلم فی المغرب * فتاوی برای مسلمان در غربت یعنی مهاجرت) در باب زندگی کردن در کشورهای غربی و گرفتن تابعیت آمده است:

میباشد و زمانی که حاجت به منزلت ضرورت برسد رخصت یا اجازه آن بدرجه مباح است نه بدرجه واجب . استاد فہمی ہویدی در بحث خود کہ قبلا بہ آن اشارہ شد در مورد مسألہ فقہی موضوع اقامت مسلمان در کشور غیر اسلامی می نویسد : در عدم وجود احکام فقہی کہ بتوانیم باساس آن حکم صادر کنیم لیکن مبادی اساسی کہ در دست داریم وظیفہ ما را قدری آسانتر میسازد کہ میتوان در بین مبادی و اصول دست داشته از دو مبادی یاد کرد .

ادامہ در شمارہ های آیندہ این شاء اللہ /

صفحہ از تاریخ معاصر افغانستان

1930 — 1900

تألیف: فضل غنی مجددی

تحقیق جدید در 591 صفحہ برای مطالعہ شما آمادہ است . شما میتوانید کتاب را از آدرس فقہ اسلامی بدست آورید . قیمت کتاب \$25 و قیمت پست برای امریکا \$5 میباشد . نظر بہ قیمت گزاف پستی از فرستادن کتاب بہ اروپا بصورت انفرادی معذرت میخواہیم .*

قابل توجہ خواہران و برادران گرامی

مطالعه اسلامی در باب :

هنر و موسیقی

(جواز و عدم جواز)

اثر اینجانب، بہ طبع میرسد . خواہران و برادران کہ میخواہند در طبع کتاب کمک کنند ، صدقہ ای خود را بہ آدرس فقہ اسلامی ارسال دارند . و یک جلد کتاب را بدست آورند .

Fazl Ghni Mogaddedi

201 Washington Blvd # 104

Fremont , ca 94539

U.S.A

Tel (510)979-9489

WhatsApp (510)673-5264

fazlghanimogaddedi@yahoo.com

Islaminfo.one

aamo-usa.com

زمین خدا فراخ نبود تا در آن ہجرت میگردید پس ایشان جایگاہ شان دوزخ است آن بد جای است مگر آنانکہ بیچارہ اند از مردان و زنان و کودکان ہیچ چارہ نمی توانند و ہیچ راہ نمی یابند پس آن جماعت نزدیک است کہ خدا عفو کند از ایشان .)

و احناف گفتمہ اند ہجرت از دار کفر و دار بدعت مدار اسلام واجب است .

دوم : جواز :

در مورد اقامت مسلمان در کشور های غربی نظریات فقہای متأخر اسلامی با نظریات فقہای عصر دوم ، سوم و چہارم اسلامی متفاوت است . علت تفاوت بین نظریات و آراء قدیم و معاصر را علما قاعدہ فقہی : تغییر فتوا در تغییر زمان و مکان و شخص و حالات متفاوت میدانند و میگویند شرایط زمان و مکان و اشخاص و حتی شرایط سیاسی و اقتصادی کشور های اسلامی و غیر اسلامی نسبت بہ سابق تغییر نمودہ و بہ اساس تغییرات کہ در ساحت سیاسی و اجتماعی صورت گرفته حکم اقامت فرد مسلمان در کشور های غربی نیز نسبت بہ گذشتہ تفاوت میکند . استاد فہمی ہویدی در این مورد می نویسد :

فتوا های کہ علما قرن شانزدهم و ہفدهم میلادی برای مسلمانان در غرب دادند امروز قابل تطبیق نیست زیرا حالت مسلمانان امروز نسبت بہ قرن شانزدهم و ہفدهم تفاوت میکند و امروز مسلمانان بہ اختیار و ارادہ آزاد میتوانند در غرب زندگی نمایند و یا کشور هایی غربی را ترک کنند . پس مسألہ اقامت مسلمان در کشور های غربی حکم جدید را میخواہد و علماء معاصر در مورد زندگی و اقامت مسلمانان در غرب فتوا های معاصر را صادر کردہ اند کہ بہ اساس آن زندگی معاصر مسلمانان در غرب آسان و سادہ شدہ است .

علمای معاصر نظر دارند کہ در فقہ اسلامی در جواز یک امر شرعی کہ در آن نص ثابت نباشد بہ اجتہاد حکم میشود و « **ضرورت و احتیاج** » دو موضوع اصلی اجتہاد از امور مهمی فقہی در صدور حکم میباشد . فقہاء باین نظر اند کہ ضرورت بالاتر از احتیاج است . مصطفی الزرقا کہ از مجتہدین معاصر در مذهب حنفی است در کتاب خود (فتاوی) در باب ضرورت و حاجت می نویسد : در فقہ ، رخصت یا اجازه یک حکم استثنائی مقید بہ حالت اضطراری و احتیاج آن